

تبیین نشانه های عبادات در آثار سعدی با نگرش بر آیات و روایات فاطمه عدنانی ساداتی*

*دانشجوی دکتری رشته تصوف و عرفان اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

پست الکترونیکی: fatemehadnani^{۷۸}@gmail.com

چکیده

زبان فارسی با سابقه‌ی طولانی و پر بار ادبی خویش، با الهام از ادبیات عرب بر قدرت و شکوه خویش افزود و با برچیدن مرواریدهایی از اقیانوس لایتناهی معارف قرآنی و احادیث، گنجینه‌ی عظیمی از فرهنگ و علوم اسلامی را به نیکوترین وجه در خویش ذخیره نمود. هدف از پژوهش حاضر تبیین نشانه‌هایی از عبادات در آثار سعدی با نگرش بر آیات و روایات است. روش اجرای پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی است. در این پژوهش سعی شده است تأثیرات وی از قرآن و روایات بادقت نظر ادیبانه و با ذکر شواهد نشان داده شود.

یکی از اندیشمندانی که با قلم نقش آفرین و سخن شهدآسا دین و حکمت و اخلاق را به هم آمیخته و با داستانهایی سرشار از عبرت؛ جلوه‌های هنری گوناگون در مواعظ و حکمت آفریده، سعدی شیرازی است. که قبول خاطر آوازه‌ی خود و دست به دست شدن سخن شکر بارش را اتصال و اتحاد به عالم قدس می‌داند و از توجهش بر آیات و روایات برمی‌آید، به درستی می‌داند از کجا آمده است و به کجا می‌رود. سعدی طراز آیات و درّ الفاظ را برگستره‌ی شعر و نثر خویش می‌نشانند و با برداشته‌ها، معانی تنزیل را چون نشئه‌ای در پی و پیوند عبارات خود جاری می‌سازد. در مجموع از نکات این پژوهش می‌توان به این نتایج رسید که:

۱- سعدی اندیشه‌های الهی و انسانی را در قالب زیباترین الفاظ به سادگی و به گستردگی و مکرر بیان کرده و با پندهای مصلحانه و گاه واعظانه سعی در تبدیل اخلاقیات دارد و معمولاً پندهایش دستوری نیست.

۲- وقتی به آفرینه‌های هنری و فکری سعدی نظر می‌افکنیم شاهد وحدت اضدادیم و این نشانگر جاودانگی مضامین آسمانی سعدی است.

۳- ارزش‌های اخلاقی متغیر است و بیشتر با انتخاب ما شکل می‌گیرند و رمز توفیق سعدی آن است که میراث فکری و هنری گذشتگان را به خوبی در دست داشته و امور خوب را به طور غیر مستقیم برجسته می‌نماید تا امور بد را نفی کند، گاه راوی اندیشه‌های دیگران است و حتی گاه خود را آلوده دامن معرفی می‌کند تا شاید برای ما عبرتی باشد.

۵- بین حکمت سعدی و سیاست مدن و تدبیر منزل وی با آنچه امروزه فلسفه‌ی سیاسی نامیده می‌شود پیوندی ناگسستنی وجود دارد. و هدف سعدی با توجه به اخلاق الهی، فردی و اجتماعی رفاه و سلامت و نجات انسانی است او در آثارش بیشتر به اخلاق عملی^۱ می‌نگرد و آن همخوانی انسان با محیط است.

واژگان کلیدی: عبادات، حکمت و اخلاق، سعدی، آیات و روایات

^۱ Ethic

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۱- مقدمه

در قلمرو شعر کهن فارسی، نخستین موضوعی که از لحاظ ارزشهای اخلاقی اسلام، حائز اهمیت فراوان است، اندیشه یکتاپرستی و اعتقاد به توحید است که غالباً با فروتنی عابدانه توسط گویندگان فرزانه و پاکدل ما اظهار شده است. در بیشتر آثار منظوم کهن فارسی، موضوع خداپرستی و بحث صفات جلال و جمال خداوند به گونه ای هنرمندانه مطرح شده و شاعران موحد و حقیقت جوی گذشته، با اعتقاد به این که: «اول العلم معرفه الجبار» بر اصل و آغاز دانش ورزی اشارتها و تاکیدها کرده و با بهره وری از سرمایه بلاغت خویش به اثبات وجود پروردگار و توصیف مظاهر صنع او و بیان نظم و عظمت جهان هستی پرداخته و به رغم شیوه های خشک فلسفی و کلامی، با تنوعی دلپذیر و نحوه ای که هم خردها را ارضا می کند و هم احساسات پاک را برمی انگیزد، افکار خویش را درباره آفریدگار جهان و اهداف آفرینش به زیباترین تعبیرات به نظم کشیده اند (مصفا، ۱۳۴۰: ص ۶۹۴).

از ویژگیهای آثار گذشتگان ما که حاصل اعتقاد راسخ آنان به خداوند است این کلام ارزنده پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می باشد که فرمود: «کل امر ذی بال لم یبدء فیه بسم الله فهو ابتر» هر کار مهمی که با نام خداوند آغاز نشود ناقص و ناتمام خواهد بود (سیوطی، ۹۱۱ ق.ش ۶۲۸۵-۶۲۸۴). مشاهده می شود که همه شاعران حقیقت جوی و از آن جمله سعدی شیرازی آثار خود را با یاد و نام مبارک خدا و ستایشهای حکمت آمیز آغاز کرده است:

بنام خدایی که جان آفرید سخن گفتن اندر زبان آفرید

خداوند بخشنده دستگیر کریم خطابخش پوزش پذیر

مشرف الدین مصلح بن عبدالله سعدی شیرازی یکی از ستاره های قدر اول آسمان ادب ایران است که نظم و نثر بدیع او زبان فارسی را به اعلی درجه فصاحت رسانید و بهتر نمونه بلاغت را بدست داد (یوسفی، ۱۳۶۳: ص ۳۳) و در واقع مفاد این بیت را که خود فرمود:

هفت کشور نمی کنند امروز بسی مقالات سعدی انجمنی

و در هر عصر مقبول اهل ذوق و ادب قرار داد.

سعدی بنا به دلالت بیتی از بوستان که آن را در ۶۵۵ تألیف کرده و گفته است:

الا ای که عمیرت به هفتاد رفت مگر خفته بودی که بر باد رفت

در صورتی که این بیت را خطاب به خود گفته باشد بایستی در سال ۵۸۵ هج تولد یافته باشد و اگر سمیت دیگر را که در گلستان آمده و عبارت ازین است:

ای که پنجاه رفت و در خوایی مگر این پنج روزه دریایی

در تاریخ تألیف گلستان یعنی ۶۵۶ سروده و خطاب به خویشان گفته است، ملاک قرار دهیم، تاریخ تولدش حدود سال ۶۰۶ خواهد بود.

شیخ اجل سعدی شیرازی، به رهبران اسلام، بویژه امیرمؤمنان امام علی علیه السلام تاسی می کند؛ امام بزرگواری که خود یکه تاز میدان ادب و سخنوری است و دیباچه نهج البلاغه شریفش با چنین کلماتی نغز در ستایش خداوند و وصف نعمتهای بیکران او آغاز شده که «الحمد لله الذی لایبعل مدحتہ القائلون ولا یحصی نعماءه العادون... سپاس خداوندی را سزاست که ستایش گویندگان تا آخرین حد مبالغه وصف کمالش را کفایت نکند و روزی خواران از شمارش نعمتهای بی پایان عاجز باشند و هر چه کوشند، یک از هزار آنها را سپاس نتوانند...»

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

سعدی در شعر زیر شاهکاری خلق کرده که از لحاظ زیبایی و شکوهمندی چنان تابلوهایی نفیس و رنگین است که نقاشی هنرمند با قلم سحر خود بدانها جان بخشیده و در معرض دید صاحب‌دلان هوشیاری قرار داده است که در نظرشان «هر ورقی دفتر است معرفت کردگار»:

... آن صانع قدیم که بر فرش کائنات چندین هزار صورت الوان نگار کرد ترکیب آسمان و طلوع ستارگان از بهر عبرت نظر هوشیار کرد بحر آفرید و بر و درختان و آدمی خورشید و ماه و انجم و لیل و نهار کرد الوان نعمتی که نشاید سپاس گفت اسباب راحتی که نشاید شمار کرد از چوب خشک میوه و در نی شکر نهاد وز قطره دانه درر شاهوار کرد مسمار کوهسار به نطف زمین بدوخت تا فرش خاک بر سر آب استوار کرد اجزای خاک مرده به تاثیر آفتاب بستان میوه و چمن و لاله زار کرد توحیدگوی او نه بنی آدمند و بس هر بلبلی که زمزمه بر شاخسار کرد ... لال است در دهان بلاغت زبان وصف از غایت کرم که نهان آشکار کرد. (مصفا، ۱۳۴۰: ص ۶۹۹)

سعدی این منادی توحید، گاه از زبان پرندگان، گلها، گیاهان و سایر موجودات که همگی ستایشگر ذات حق هستند و به تعبیر قرآن «یسبح لله من فی السموات والارض والطیر صافات کل قد علم صلاته و تسبیحه» (سوره نور / ۲۴) سخنانی هشیاری بخش و عبرت آموز در قابل اشعار زیبا آورده است:

دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار	آفرینش همه تنبیه خداوند دل است
نه همه مستمعی فهم کند این اسرار	کوه و دریا و درختان همه در تسبیحند
آخر ای خفته سر از خواب جهالت بردار	خبرت هست که مرغان سحر می گویند
حیف باشد که تو در خوابی و نرگس بیدار	تا کی آخر چو بنفشه سر غفلت در پیش

(مصفا، ۱۳۴۰: ص ۶۹۹)

از آنجا که هر کاری که انسان انجام می دهد، آثار و پیامد خاصی دارد، اعمال عبادی انسان نیز از این قاعده بیرون نیست. لذا می توان گفت یکی از راه هایی که انسان به خوبی میتواند بفهمد که اعمال عبادی او نظیر نماز، روزه، زکات و هر عبادت دیگر او مورد قبول خداوند قرار گرفته است یا نه، این است که ببیند آیا اعمال او در روح و جان او اثری معنوی ایجاد کرده است یا نه؟ بنابراین با اندازه تأثیر عبادت در جان انسان به آسانی می توان به قبول شدن آن پی برد و اولین اثر عبادت آن است که انسان را به خدا نزدیک می کند و به خود مسلط می شود (مطهری، ۱۳۷۸). از اینرو در پژوهش حاضر با در نظر گرفتن نشانه‌هایی از عبادات همچون: تلاوت قرآن، نماز، روزه، زکات، زهد و رزی از مجموع کتاب کلیات سعدی شامل (گلستان، بوستان، غزلیات، مواعظ، رسایل و...) استخراج شده و با کمک گرفتن آیات و احادیث در حد بضاعت مورد تحلیل قرار گرفته، که با فرا گرفتن آنها فرهنگ عبادی و دینی حفظ می‌گردد و تا به درک و تحلیل بهتر اشعار و آیات، کمک نموده و هرچه بهتر بتوان تمدن اجتماعی و فرهنگی را با آموزه های دینی و عبادی پایه ریزی کرد و اینک امید آن دارد این بررسی ادبی در آثار سعدی مقبول خاطر اهل تحقیق و سلیمانان ادب و فرهنگ قرار گیرد.

۲- بیان مسأله

نفس انسان دوستی یک لطیفه ی انسانی است به همراه نوعی تفضل ربانی. همین معنی از سویی نمودار یک جهان بینی خاص است، زاده ی روح های قوی؛ و بالاخره دست رنج واقعی مظلومان جهان در برخورد با تجارب عمده ای که در مسیر حیات تحصیل می کنند و عنوان می سازند سعدی از همین نوع بزرگان است که مردم دوستی و خدمت

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

به خلق خدای را با لطیفه ای دیگر که مستلزم معرفت آدمی به خدای بزرگ است، قرین می سازد. همین معناست که در واقع مردم دوستی را با خدا پرستی ارتباط می دهد (سیاقتی، ۱۳۸۰: ۲۳۳). و می گوید:

خواهی که خدای بر تو بخشد
با خلق خدای کن نویی
(گلستان، باب ۱، ص ۵۶)

خدا را بر آن بنده بخشایش است
که خلق از وجودش درآسایش است
(بوستان، باب ۲، ص ۲۶۶)

عبادت یکی از وجوه های عالی و دور پرواز ادبیات اسلامی و وجهه ی روابط عابدانه و عاشقانه ی انسان با ذات احدیت است. اسلام از مردمی که بت یا انسان و یا آتش را می پرستیدند مردمی ساخت که مجردترین معانی و رقیق ترین اندیشه ها را در مغز خود جای دادند. عبادت به هوش آورنده ی انسان و بیدار کننده ی انسان است. عبادت، انسان غرق شده در اشیاء را از اعماق دریای غفلت ها بیرون می کند (غفوری، ۱۳۶۵: ۲۱).

بنابراین در این پژوهش نشانه های عبادی مانند تلاوت قرآن، نماز، روزه، زکات، زهد و ورزشی را با کمک گرفتن از آیات و احادیث مورد فحص و بحث قرار می گیرد، از آنجا که تعالیم انسان پروری و بشر دوستانه ی استاد شیراز زبانزد عام و خاص است هر صاحب نظر می تواند با دیدی خاص به این آثار بنگرد و همانگونه که سعدی در جامعه ی آن روز خود به عنوان مصلحی بزرگ به ارشاد اخلاقی با استفاده از رفتار عبادی پرداخته است، امروز نیز آثارش با توجه به تنوع حکایات و جامعیت آنها می تواند سدی محکم بسازد که بر مبنای رفتار عبادی و سیاست راستین اخلاقی پی ریزی شود؛ این جستار می تواند پیوندی میان تمدن دیر زیسته و شکوهمند گذشته و پیشرفتهای صنعتی و اجتماعی امروز به نمایش بگذارد و در راه خدمت به فرهنگ به عنوان تکلیفی ملی و دینی باب هدایت را با همت و حمیت بسوی افراد بگشاید و نسل فعلی را به فعالیت آغازد و اگر احیاناً کجروی هایی در فرهنگ جامعه ی سعدی دیده شده است، در این موارد آگاهی حاصل شود تا سره از ناسره جدا گردد. از اینرو با توجه به مطالب گفته شده در پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوال هستیم که طرز نگاه سعدی در بیان نشانه های عبادات در آثارش با توجه به آیات و احادیث چگونه است؟

۳- اهمیت و ضرورت پژوهش:

ادبیات فارسی دری از همان آغاز پیدایش و توسعه ی خود ادبیاتی اسلامی محسوب می شود که این سطره بر مبنای فطرت و خرد است و همان گونه که رهبران اسلام خود پیشوایان سخن می باشند، سعدی نیز سعی نموده است ادبیات فرمالیستی و هنر محور را به ادبیات خدا محور و هدایتگر نزدیک نماید. فرد محوری او نیز جهت رسیدن به یک غایت اجتماعی است.

اگر آثار این حکیم فرزانه و معلم یگانه را مرور کنیم و از خرمن پر بار اندیشه او خوشه ای بچینیم، میتوان گفت اندیشه سعدی برای کاستن از آوار مشکلات ما اثربخشی و جایگاه ممتازی دارد. شیخ در دوره آرامش فرصتی یافت تا آموزه ها و تجارب گرانبهای خود را در هیاتی اخلاقی و حکمی به نظم و نثر به مخاطبین تقدیم دارد. توجه به این نکته که اصولاً تفهیم مباحث عبادی و اخلاقی و پذیرش سخنان پندآمیز برای همگان تا حدی دشوار می نماید و این داری تلخی است که می باید با فنی سنجیده به خورد اهلش داد. لذا سعدی ظاهر تلخ حقیقت را با سخنانی مانند شکر می پوشاند تا پذیرفته هر بد پسندی شود؛

نظر به اینکه سعدی با جامعه نزدیک بوده از هر چمن سمنی چید و از هر دهن سخنی شنید و از هر خرمن خوشه ای گردآورد. او با سفرهای جهانی مظاهر جمال ملل را دیده و با سفرهای درونی مظاهر جلال را دریافته و این سب نگرش های متناقض و متفاوت شده، از اینرو ضرورت جستجوی نشانه های عبادی و اخلاقی را در گفتار نیکو و نغز

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

سعدی بیش از پیش مشخص می شود. تا بتوان جایگاه مذهب استاد اخلاق و معلم دلسوز بشری را هر چه بهتر نشان داد و چهره معنوی او را به قضاوت و نقادی اهل هنر قرار دهیم.

۴- پیشینه پژوهش

در موضوع مورد مطالعه به شکل مستقل تاکنون پژوهشی انجام نشده است. اما بی شک بوستان و گلستان سعدی را دایره المعارف بزرگ از رفتارهای اخلاقی و عبادی بشمار آورده اند و به گفته دکتر مهدی محبتی «قرآن کریم الگوی اصلی در آثار سعدی است و وی در طرح فلسفه اخلاق بیش از هر موضوع دیگر از قرآن الهام گرفته است».

(روزنامه رسالت، ۸۷/۱/۳۱)

در کتابهایی نیز که بر آثار سعدی نوشته شده به صورت موردی به برخی از مسائل اشاره شده است، چنانکه دکتر زرین کوب می گوید: «سعدی نه حکیم است و نه عارف فقط شاعر است و شاعر واقعی مخصوصاً شاعر آدمیت است که عشق و اخلاق مایه افتخار اوست» (زرین کوب، ۱۳۶۹: ۷).

اما تا جایی که ما جستجو کرده ایم در این مورد تک نگاشت جامع و مستقلی نگارش نشده است. در حالی که سعدی در پایان دیباچه گلستان هدف خود را از این تصنیف چنین بیان می دارد:

«مراد ما نصیحت بود و گفتیم حوالت با خدا کردیم و رفتیم»

(گلستان: ۳۶)

۵- هدف پژوهش

۱- تبیین نشانه هایی از عبادات در آثار سعدی با نگرش بر آیات و روایات است.

۶- سوال پژوهش

۱- طرز نگاه سعدی در بیان نشانه های عبادات در آثارش با توجه به آیات و احادیث چگونه است؟

۷- فرضیه پژوهش

۱- بنظر می رسد که سعدی به عنوان رهبری موثر و با فضیلت نگاهی ویژه به آیات و احادیث در آثارش داشته است و برای اجرای صلاح ملک و ملت می خواهد با بهره گیری از رفتارهای عبادی و اخلاقی ریشه ی بسیاری از مشکلات اجتماعی و فرهنگی پدیدار گردد.

۸- مبانی و مفاهیم پژوهش

اگر در تاریخ ادبیات بخواهیم استادانی را برگزینیم که صاحب سبک و مسلک و ابتکارند و از مرحله تقلید گذشته اند، بدون تردید یکی از آنان سعدی شیرازی است. سعدی در اقسام شعر طبع آزمایی کرد و الحق در هر یک خوب از عهده برآمد. قصاید سعدی به سبک متقدمان ولی معمولاً روشنتر و ساده تر و بی تکلفتر است و موضوع آن نعت خداوند و پند و اندرز و حکم و مرانی و مدایح است.

از مزایای نثر سعدی که در گلستان جلوه گر است آوردن اشعار شواهد مناسب است. در ضمن عبارت که تأثیری خاص به سخن او می بخشد بخصوص آنجا که استشهاد از قرآن کریم می کند و معنی آیات و بینات را با نظم شیوایی روشن می سازد.

اساس تأثیر پذیری سعدی از قرآن، استعمال مستقیم نیست؛ بلکه بنیاد آموزه های قرآن را در آفرینش فضای اشعار و حکایت ها به کار می گیرد و بنیان هنری وی بیش از هر چیز، مدیون قرآن است. نوع جمله بندی ها، تمایل به سجع و فاصله و حتی آهنگ جملات وی، مشابه قرآن است. تسلط سعدی بر آیات و احادیث، عامل دیگر رویکرد قرآنی آثار سعدی است. بیش از ۱۲۰۰ مورد در آثار سعدی به داستان های مختلف قرآنی اشاره شده است؛ زیرا

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

داستان، امکان تعبیر پذیری، فضا سازی و جذابیت دارد و به همین دلیل، مورد توجه سعدی قرار گرفته است (شکورزاده، ۱۳۶۸: ص ۶).

۹- نشانه های عبادات در آثار سعدی

۹-۱- تلاوت قرآن

وَ إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ انصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ. (۷/۲۰۴)

و چون قرآن خوانده شود، گوش بدان فرا دارید و خاموش مانید، باشد که بر شما بخشوده شوید!

وَ قُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَ نَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا. (۱۷/۱۰۶)

و قرآنی که آن را بخش بخش کردیم تا آن را با درنگ به مردم بخوانی، و آن را بتدریج فرو فرستادیم.

وَ اقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ (۳۱/۱۹)

در نصیحت فرزند گوید: [لقمان] و در راه رفتن خود میانه رو باش و صدایت را پایین آور که بی گمان زشت ترین صداها بانگ درازگوشان است.

در سوره ی سی و یکم قرآن که لقمان نام دارد از او به عنوان مردی خدانشناس و پدری فرزانه که به فرزند پندی پارسایانه می دهد، یاد شده است. بسیاری از امثال و حکم که در زبان عربی و فارسی رایج است به لقمان منسوب است. عده ای لقمان دوران جاهلیت را که به لقمان بن عاد معروف بوده است با لقمان حکیم مذکور در قرآن یکی می دانند. در زمان جاهلیت اشعار حکمی را به لقمان نسبت می داده اند. ولی بعضی از مورخان معتقدند که لقمان جاهلیت غیر از لقمان مذکور در قرآن است. در کتب اسلامی نیز لقمان گاهی به عنوان پیامبر، ولی بیشتر به عنوان حکیم معرفی شده است.

سعدی در حکایتی گوید:

خطیبی کره صوت خود را خوش آواز پنداشتی و فریاد بیهوده برداشتی گفתי نعیب غراب البین در پرده الحان اوست یا آیت ان انکر الاصوات در شان او. (گلستان: ۱۲۶)

و نیز: ناخوش آوازی به بانگ بلند قرآن همی خواند، صاحب دلی برو بگذشت گفت ترا مشاخره چندست، گفت: هیچ، گفت: پس این زحمت خود چندین چرا همی دهی گفت از بهر خدا می خوانم گفت از بهر خدا مخوان.

گَر تَوَقَّرَانَ بَدِينِ نَمَطِ خَوَانِي بِيـــــرِي رَوْنَقِ مَسْلَمَانِي

(گلستان: ۱۲۷)

امام صادق (ع) فرماید: خوانندگان قرآن بر سه گونه اند: یکی آنکه قرآن را برای آن می خواند که شاهان را بدوشد و به وسیله ی آن بر مردمان گردنفرازی کند، پس او از اهل آتش است دیگر خواننده ی قرآنی که حروف آن را حفظ و حدود آن را ضایع می کند که او نیز از اهل آتش است و دیگر خواننده ی قرآنی که قرآن را می خواند و سر به جیب تامل فرو می برد، به محکم و متشابه آن عمل می کند و به اقامه ی واجبات آن می پردازد، حلال آن را حلال و حرام آن را حرام می شمارد. این کسی است که خدا او را از فتنه های مایه ی گمراهی نگاه می دارد، و خود اهل بهشت است و هر کس را بخواهد شفاعت می کند. (الحیاه، ۲: ۲۵۶)

امام صادق (ع) فرماید: ان القرآن نزل بالحزن فأقرأوه بالحزن. (الحیاه، ۲: ۲۴۵)

قرآن به اندوه نازل گشته، پس آن را به اندوه بخوانید.

لا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ. (۷۵/۱۶)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

دگر مسح سر، بعد از آن غسل پای همین است و ختمش به نام خدای...
(بوستان: ۳۵۱)

وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ ارْكَعُوا مَعَ الرَّائِعِينَ. (۲/۴۳)
و نماز را بر پا دارید و زکات دهید و با رکوع کنندگان رکوع کنید.
الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ. (۸/۳)
همانان که نماز را به پا می‌دارند و از آنچه که روزی شان کرده ایم، انفاق می‌کنند.
وَ الَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً وَ يَدْرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ أُولَئِكَ لَهُمْ عُنُقِي الدَّارِ. (۱۳/۲۲)

و کسانی که برای طلب خشنودی پروردگارشان شکیبایی کردند و نماز را بر پا داشتند و از آنچه روزیشان دادیم- نهان و آشکارا- انفاق کردند و بدی را باز می‌دارند آنانند که فرجام نیک سرای باقی را دارند.
به احسانی آسوده کردن دلی به از الف رکعت به هر منزلی
(بوستان: ۲۶۰)

یکی از همسران پیامبر(ص) درباره‌ی آن حضرت گفته است: کان رسول الله يحدثنا و تحدّثه فاذا حضرت الصلاه فکانه لم یعرفنا و لم نعرفه شغلاً بالله عن کلّ شیء. (بحارالانوار، ۸۱: ۲۵۸)
گاهی ما با رسول خدا(ص) گرم صحبت بودیم و او با ما مشغول صحبت، چون وقت نماز می‌رسید چنان توجه به خدا وجودش را فرا گرفته و همه چیز را رها می‌کرد که گویی نه او ما را می‌شناسد و نه ما او را.
درباره‌ی علی(ع) روایت شده: «چون وقت نماز می‌رسید، به خود می‌پیچید و بر خود می‌لرزید. چون از علتش سؤال می‌شد، می‌فرمود: رسید وقت امانتی که خدا به آسمان و زمین و کوهها عرضه داشت و آنها از قبولش سر باز زده و از آن ترسیدند». (جباران، ۱۳۸۹، ۱: ۶۱)

امام سجاده(ع) چون برای نماز مهیا می‌شد، رنگش به زردی می‌گرایید. (بحارالانوار، ۷۷: ۳۴۷)
پیامبر(ص) فرمود: الجلوس فی المسجد لانتظار الصلوه عبادة. (وسائل الشیعه، ۳: ۸۵)
به انتظار نماز در مسجد نشستن عبادت است.
امام باقر(ع) فرمود: لا تُصَلِّ خَلْفَ مَنْ یبغی علی الاذان و الصلوه بالناس اجراً، و لا تُقَبِّلُ شَهِادَتَهُ.
(آثار الصادقین، ۱۰: ۵۶)

پشت سر کسیکه بابت اذان و نماز از مردم اجرت مطالبه می‌کند، نماز(اقتداء) خوانده نمی‌شود و نیز شهادتش پذیرفته نمی‌گردد.

امام صادق(ع) فرمود: لا تَعْتَرُوا بِصَلَوَتِهِمْ وَ لا صِيَامِهِمْ فَانَ الرَّجُلَ رَبِّمَا لَهْجَ بِالصَّلَوةِ وَ الصَّوْمِ حَتَّى لَوْ تَرَكَهُ اسْتَوْحَشَ وَلَكِنْ اخْتَبِرُوهُمْ بِصَدَقِ الْحَدِيثِ وَ دَاءِ الْاِمَانَةِ. (آثار الصادقین، ۱۰: ۵۰۷)
فریب نماز و روزه شخص را نخورید زیرا بسا آدمی به نماز و روزه حریص می‌گردد که اگر آن را ترک کند بترسد ولی آن را به راستگویی و اداء امانت بیازمایید.

طاعت آن نیست که بر خاک نهی پیشانی صدق پیش آر که اخلاص به پیشانی نیست
(مواعظ: ۷۰۸)

پیامبر(ص) فرمود: رکعتان من عالم افضل من سبعین رکعه من غیر عالم.
دو رکعت نماز شخص دانشمند بهتر از هفتاد رکعت نماز غیر دانشمند است.
پیامبر(ص) فرمود: لیس بین العبد و الشرک الا ترک الصلاه فان ترکها فقد اشْرک. (آثار الصادقین، ۱۱: ۱۳۴)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

فقط میان بنده و شرک، ترک نماز است و اگر آن را ترک گوید مشرک است. پیامبر(ص) فرماید: من کَثَرَ الصَّلاةَ بِاللَّيْلِ حَسَنَ وَجْهَهُ بِالنَّهَارِ. (آثار الصادقین، ۱۱: ۱۹۵) هر که نماز را در شب بیشتر بجا آورد چهره اش در روز نورانی تر می شود. امام صادق(ع) فرماید: كَذِبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُصَلِّيُ صَلَاةَ اللَّيْلِ وَ هُوَ يَجُوعُ. إِنَّ صَلَاةَ اللَّيْلِ تَضْمُنُ رِزْقَ النَّهَارِ. (آثار الصادقین، ۱۱، ۱۹۶)

هر که نماز شب بجای آورد و گمان کند که گرسنه می ماند دروغ می گوید. زیرا نماز شب ضامن روزی در روز است. پیامبر(ص) با شنیدن صدای اذان چنان مشتاق نماز می شد که اذان طولانی را بر نمی تابید و می فرمود: أرحنا يا بلال. ای بلال ما را راحت کن. (بحارالانوار، ۷۹: ۱۹۳)

امام حسن مجتبی(ع) چون به نماز برمی خاست بهترین لباس را تن می کرد. عرض شد چرا زیباترین لباس را در «نماز» می پوشی؟ فرمود: همانا خدا زیباست و زیبایی را دوست می دارد. خودم را برای پروردگار می آرایم و زیبا می کنم زیرا خدا فرمود: « بهنگام رفتن در مساجد خود را بیارایید». (اعراف/۳۱) لذا دوست می دارم که زیباترین لباس را بپوشم. (آثار الصادقین، ۱۱: ۹۶)

وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ... (۲۹/۴۵) و نماز را بر پا دار که نماز از کار زشت و ناپسند باز می دارد. پیامبر(ص) فرماید: ان العبد ليُصَلِّي الصلوة لا يكتب له سدسها و لا عشرها و انما يكتب للعبد من صلاته ما عقل منها. (الحياه، ۱: ۲۰۴)

انسان نماز می گزارد، در حالیکه شش یک بلکه ده یک آن را هم برای او نمی نویسند؛ برای انسان از نماز همان مقدار را که از روی توجه و تعقل خوانده باشد می نویسند.

حضرت فاطمه(س): ... ففرض الله الايمان تطهيرا من الشرك و الصلوة تنزيها لکم من الکبر... (الحياه، ۱: ۳۹۹) خدا ایمان را برای پاک شدن از شرک و نماز را برای پاکیزه شدن شما از خودپسندی واجب کرد. امام باقر(ع) فرماید: الصلوة بيت الاخلاص و تنزيه عن الکبر: (آثار الصادقین، ۱۱: ۹۴)

نماز خانه‌ی اخلاص و وسیله‌ی دوری از زشتی و تکبر است. امام صادق(ع) فرمود: من احب ان يعلم اقبلت صلاته ام لم تقبل؟ فلينظر هل منعتة صلاته عن الفحشاء و المنکر، فبقدر ما منعتة قبلت منه. (آثار الصادقین، ۱۱: ۱۲۰)

هر که دوست دارد بداند آیا نمازش پذیرفته شده یا نه؟ بنگرد که آیا نمازش او را از کارهای ناپسندیده باز داشته؟ پس به هر مقداری که نماز او را از زشتکاری بازدارد، نمازش پذیرفته است.

با توجه به قرآن صفات نمازگزاران عبارتند از:

۱) الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ. (۳۲/۲)

همانان که در نمازشان فروتنند.

۲) وَ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ. (۲۳/۹)

و همانان که مراقب نمازهایشان هستند.

۳) إِلَّا الْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ. (۲۳/۲۲ / ۷۰)

مگر نمازگزاران* همان کسانی که بر نمازشان پایدارند.

أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَ قُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا. (۱۷/۷۸)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

نماز را از زوال آفتاب تا نهایت تاریکی شب بر پادار و [نیز] نماز صبح را، زیرا نماز صبح همواره با حضور [فرشتگان] است.

وَ اذْكَرِ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَ اَصِيلاً * وَ مِنْ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَ سَبِّحْهُ لَيْلاً طَوِيلاً. (۷۶/۲۵ و ۲۶)
و نام پروردگارت را هر بامداد [نماز صبح] و شامگاه [نماز شام] یاد کن * و پاره‌ای از شب را در برابر او سجده کن و پاره‌ای دراز از شب را تسبیح گوی.

وَ اَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَ زُلْفَاً مِنَ اللَّيْلِ اِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبُنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ (۱۱/۱۱۴)
در دو طرف روز [اول و آخر آن] و نخستین ساعات شب نماز را بر پا دار، زیرا خوبی‌ها، بدی‌ها را از میان می‌برد. این است پندی برای پند پذیران.

سعدی پند دهد:

عزت و اوقات نماز را نگاه دارد و به هیچ از ملامتی و مناهی در آن وقت مشغول نشود. (نصیحت الملوك: ۸۷۴)
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ اِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ. (۲/۱۵۳)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید از شکیبایی و نماز یاری جویید که خدا با شکیبایان است.
فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ. (۱۰۷/ ۴ و ۵)
پس وای بر آن نمازگزاران * همانان که از نمازشان غافلند.

و هم پشت بر قبله‌ای در نماز گرت در خدا نیست روی نیاز
(بوستان: ۳۳۱)

آیه ۱۱ سوره‌ی جمعه اشاره‌ای است به زمانی که حضرت رسول (ص) در حال خواندن خطبه نماز جمعه بودند که مردم به محض شنیدن صدای کاروان تجار نماز را رها کرده به سوی آن کاروان شتافتند آنها حریصانی بودند که به خاطر به دست آوردن مال نماز را رها کردند. (قرائتی، ۱۳۸۰، ۷: ۴۰۲)
رسول خدا(ص) فرمود: فلولا الخبز ما صلنا و لا صمنا و لا ادینا فرائض ربنا. (بحار الانوار، ۶۳: ۲۷۰)
اگر نان نباشد روزه و نماز و دیگر واجبات را نمی‌توان انجام داد.

پدري که خود به فرزندش نماز خواندن یاد داده بود مورد بازخواست قرار می‌گیرد که:

چرا کردی امروز از این سو نماز؟ نگفتی که قبله است سوی حجاز (بوستان: ۳۳۵)
سعدی در اشعاری آورده:

وامش مده آنکه بی نماز است	گرچه ده‌نش ز فاقه باز است
کو فرض خدا نمی‌گزارد	از قرض تو نیز غم ندارد
تا خود کجا رسد به قیامت نماز من	من روی در تو و همه‌کس روی در حجاز
پیش نماز بگذرد، سرو روان و گویدم	(غزلیات: ۵۲۷)
چنانکه طایفه‌ای در پناه جاه تواند	قبله‌ی اهل دل منم، سهو نماز می‌کنی
	(غزلیات: ۶۴۴)
	تو در پناه دعا و نماز ای‌شانی
	(مواعظ: ۸۳۹)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۹-۳-روزه

ایه صَوْمَ: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ. (۲/۱۸۳)
ای کسانی که ایمان آورده اید روزه بر شما مقرر شده است. همانطور که بر پیشینیان شما مقرر شده بود، باشد که پرهیزگاری کنید.

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ... (۲/۱۸۵)

ماه رمضان است که قرآن در آن فرو فرستاده شده است که مایه‌ی رهنمون مردم و [ادارای] نشانه‌های آشکار هدایت و جدا کننده‌ی حق از باطل است. پس هر کس از شما این ماه را دریاید. باید روزه‌ی آن را به جای آورد.

پیامبر(ص) فرماید: لكل شيء زكاة و زكاة الابدان الصيام. (وسائل الشیعه، ۷: ۲۸۹)

هر چیزی زکاتی دارد و زکات بدن روزه است.

و نیز فرموده: « الصَّوْمُ جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ » (وسائل الشیعه، ۱: ۷)

روزه سپر آتش است.

و نیز فرموده: « الصوم نصف الصبر » (کنز العمال، ۱: ۴۶۴)

روزه نیمی از صبر است.

و نیز فرمود: « الصبر نصف الايمان ». (بحار الانوار، ۷۹: ۱۳۷)

صبر نیمی از ایمان است.

پیامبر(ص) فرمود: رمضان شهر الله تبارک و تعالی، استکثروا فيه من التهليل و التكبير و التحميد و التمجيد و التسبيح

و هو ربيع الفقراء. (آثار الصادقین، ۷: ۲۶۱)

ماه رمضان ماه خداست، در این ماه فراوان تهلیل و تکبیر و تحمید و تمجید و تسبیح خدا گوید که این ماه بهار فقرا می‌باشد.

پیامبر(ص) فرمود: انما سمی رمضان لانه یرمض الذنوب. (آثار الصادقین، ۷: ۲۶۵)

ماه مبارک رمضان از آن جهت نامیده شده که این ماه گناهان را می‌سوزاند.

امام صادق(ع) فرمود: لا فطارک فی منزل اخیک افضل من صیامک سبعین ضعفاً او تسعین ضعفاً.

(آثار الصادقین، ۷: ۲۸۲)

البته افطار کردن تو در منزل برادر دینی هفتاد یا نود برابر برتر و بالاتر از روزه گرفتن تو می‌باشد.

سعدی در اشعاری گفته است:

ندانستی چپ کدام است و راست
همی شستن آموختم دست و روی
دوم نیست آور، سوم کف بشوی
مناخر به انگشت کوچک بخار
که نهی است در روزه بعد از زوال...
بشورید و گفت ای خبیث رجیم
بنی آدم مرده خوردن رواست؟
بشوی آنگه از خوردنیها به شست

به طفلی درم رغبت روزه خاست
یکی عابد از پارسایان کوی
که بسم الله اول به سنت بگوی
پس آنگه دهن شوی و بینی سه بار
به سبابه دندان پیشین بمال
شنید این سخن ده خدای قدیم
نه مسواک در روزه گفتی خطاست
دهن گو ز ناگفتنیها نخست

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

به نیکوترین نام و نعتش بخوان...

(بوستان: ۳۵۱)

ریاضت بگذرد سختی سرآید

ولیکن آدمی را صبر باید

(غزلیات: ۵۱۰)

و علیک السلام یا رمضان

مجلس ذکر و محفل قرآن

(مواعظ: ۷۳۷)

عقل باور نکنند کز رمضان اندیشد

(مواعظ: ۸۲۰)

کسی را که نام آمد اندر میان

نگفتم روزه بسیاری نیاید؟

پس از دشواری آسانیست ناچار

ماه فرخنده روی بر پیچید

الوداع ای زمان طاعت و خیر

ملحد گرسنه و خانه خالی و طعام

و از تاب و تحمل روزه دار گوید :

ای صبح شب نشینان جانم به طاقت آمد

از بس که دیر ماندی چون شام روزه داران

(غزلیات: ۵۷۹)

چون گوش روزه دار بر الله اکبر است

(غزلیات: ۴۳۵)

باز آ که در فراق تو چشم امیدوار

۹-۴-زکات

رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ.

(۲۴/۳۷)

مردانی که بازرگانی و داد و ستد، آنان را از یاد خدا و بر پا داشتن نماز و دادن زکات باز نمی‌دارد در حالی که از روزی که دلها و دیده‌ها در آن دگرگون شود بیمناکند.

وَجَعَلْنِي مَبْرُكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا. (۱۹/۳۱)

و هر جا که باشم مرا با برکت گردانده و تا زنده ام به نماز و زکات سفارش کرده است.

پیامبر(ص) فرمود: مَا حَبَسَ قَوْمَ الزَّكَاةِ إِلَّا حَبَسَ اللَّهُ عَنْهُمْ الْقَطْرَ. (آثار الصادقین، ۷: ۳۷۱)

هیچ گروهی زکات را منع نکرد جز آنکه خدا باران را از آنها برداشته و ممنوع می‌دارد.

امام علی(ع) فرمود: حَصَنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ. (نهج البلاغه: ۳۸۶، حکمت ۱۴۶)

دارایی هایتان را با زکات دادن نگهداری کنید.

امام باقر(ع) فرمود: الزَّكَاةُ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ. (آثار الصادقین، ۷: ۳۷۳)

زکات روزی را افزون می‌کند.

بماند نام بلندش به نیکویی مشهور

چو باغبان بزند بیشتر دهد انگور

(گلستان: ۹۸)

فرباد دل شکستگان رس

(غزلیات: ۶۵۲)

نماند حاتم طایی ولیک تا به ابد

زکوه مال بدر کن که فضله رز را

آخر به زکات تندرستی

۹-۵-زهد و ورزی

امام باقر(ع) فرماید: إِنَّ الْفَقِيهَ، الزَّاهِدَ فِي الدُّنْيَا، الرَّاعِبَ فِي الْآخِرَةِ، الْمَتَمَسِّكُ بِسُنَّةِ النَّبِيِّ(ص). (الحیاه، ۲: ۵۸۱)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

فقیه کسی است که در امور دنیا زاهد، متمایل به آخرت و عمل کننده‌ی به سنت پیامبر(ص) باشد. علی (ع) فرماید: ... الیَمینُ و الشِّمالُ مَظَلَّةٌ، والطَّریقُ الوَسْطیُّ هِی الجادَّة، علیها باقی الکتاب و آثار النُّبُوهِ و منها مُنْفَذُ السُّنَّةِ، و الیها مَصیرُ العاقبه... (الحیاه، ۱: ۴۹۸)

راستگرایی و چپگرایی گمراهی است. راه درست همان راه میانه است. کتاب خدا که در میان ماست و تعالیم نبوت به همین راه دلالت می‌کنند و از طریق عمل به سنت پیامبر(ص) همین است و عاقبت نیکو در گرو پیمودن همین.

وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ. (۲۹/۶)

وهر که (در راه ایمان) بکوشد، تنها برای خود می‌کوشد، زیرا خدا از جهانیان سخت بی‌نیاز است.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ. (۳۵/۱۵)

ای مردم! شما به خدا نیازمندید و خداست که خود بی‌نیاز ستوده است.

كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٍ * أَنْ رَأَاهُ اسْتَعْصَمَ. (۹۶/۶ و ۷)

حقا که انسان سرکشی می‌کند* همین که خود را بی‌نیاز ببیند.

امام باقر(ع) فرمود: «سخاء المرء عما فی یدی النَّاسِ اکثر من سَخاءِ النَّفسِ و البذل». (وسائل الشیعه، ۹: ۴۵۱)

چشم پوشی از آنچه در دست مردم است، بسی سخاوتمندانه تر است از فداکاری و بخشش مال.

امام صادق(ع) فرمود: «شرف المومن قیام اللیل و عزّه استغنائه عن الناس». (بحار الانوار، ۷۲: ۱۰۸)

شرافت مومن به نماز شب و عزتش به اظهار بی‌نیازی از مردم است.

پیامبر(ص) گفت: «فقیهان تا زمانی که در کار دنیا وارد نشده اند، امانتدار پیامبرانند» گفتند: ای پیامبر خدا در آمدن

آنان به دنیا چگونه است؟ گفت: پیروی سلطان است و چون چنین کردند، از آنان بر دین خود بیمناک باشید.

(الحیاه، ۲: ۴۷۶)

پیامبر(ص) فرمایند: وای بر کسانی که دین را وسیله‌ی دست یافتن به دنیا قرار می‌دهند، گرگانی در لباس میشند

که با نرم زبانی مردم را می‌فریبند، سخنان ایشان شیرینتر از عسل است و دل‌هایی چون دل گرگ دارند، خدای متعال

می‌گوید: «آیا از من غافل شده‌اند یا بر من گستاخی می‌کنند؟ به عزت و جلال خودم سوگند که در میان ایشان

فتنه‌ای پدید خواهم آورد که بردبارشان را حیران کند». (الحیاه، ۲: ۵۳۳)

امیر المومنین علی(ع) می‌فرماید: تمام زهد در دو کلمه قرآن خلاصه می‌شود:

«لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ». (۵۷/۲۳)

تا بر آنچه از دست می‌دهید افسوس نخورید و به آنچه بدست می‌آورد، شادمان نشوید.

همچنین فرمود: «الزهد فی الدنیا قصر الامل و شکر کل نعمه و الورع عن کل ما حرم الله عزوجل».

(بحار الانوار، ۷۴: ۱۶۱)

زهد از دنیا عبارتست از کوتاه کردن آرزو، شکر هر نعمت و پرهیز از آنچه خدا حرام کرده است.

قرآن کریم فرماید: «وَلَا تَمَنَّ عَيْنِيكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الدُّنْيَا لِنُفْتِنَهُمْ فِيهِ وَ رِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ

وَأَبْقَىٰ». (۲۰/۱۳۱)

ای رسول ما! هرگز به متاع ناچیز که به کفار در جلوه‌ی حیات دنیا داده ایم دیده‌ی تمنا ندوز، زیرا روزی پروردگارت

بهتر و بادوامتر است.

امام علی(ع) در سخنانی فرماید: فی صفة المومن بعیدهمه. (نهج البلاغه: ۴۲۱، حکمت ۳۳۱)

در وصف مومن: همت و کوشش مومن در کارهای شایسته بلند است.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

کسی را که همت بلند او فستد مرادش کم اندر کـمـند او فستد

(بوستان: ۲۶۱)

الزهد ثروه: پارسایی دارایی است. (نهج البلاغه: ۳۶۱، حکمت ۴)

زن خوب فرمانبر پارسا کند مررد درویش را پادشا

(بوستان: ۳۶۶)

اشرفه الغنی ترک المنی. (نهج البلاغه: ۳۶۶، حکمت ۳۴)

برترین بی نیازی به دل راه ندادن آرزوهاست.

مرو در پی هر چه دل خواهست که تمکین تن نور جان کاهدت

کند مرد را نفس امساره خسوار اگر هوشمندی عزیزش مدار

(بوستان: ۳۳۵)

۱۰- نتیجه گیری

اثر بخشی آثار سعدی به دلیل پذیرش گسترده و عمومی سخن او در میان مردم است. اساساً به دلیل سادگی و زیبایی کلام سعدی اندیشه او قرن‌هاست که در زبان و ضمیر جامعه ما جریان دارد. در نتیجه کلام سحرانگیزش نسل به نسل منتقل شده و امروز به دست ما رسیده است. به نحوی که بخش عمده‌ای از سخنان او در قالب ضرب‌المثل‌ها گفته و شنیده می‌شود.

از دیگر خصایص شگفت‌انگیز سعدی دلیری و شهامت در حقیقت‌گویی او است. در هیچ عصری کسی به صراحت او سخن نگفته است و عجب تر این که در هنگامه خود تنها به صاحبان اقتدار نپرداخته بلکه از تشریح احوال زاهد و عابد ریایی و قاضی فاسد و صوفی دنیادار و پوچی عبادتها و ریاضتهای ناصادقانه و ریایی و غیرخدایی خودداری نکرده است. و عجب بصیرتی به احوال مردم و طبایع و افکار ایشان و اوضاع جهان و جریان کار روزگار دارد و با چه زبردستی در این امور نکته سنجی می‌کند و چگونه در هر باب رای صواب را می‌یابد، گویی او مصداق همان هنرمند خردپیشه است که به قول او در این روزگار دوبار عمر کرده و تجربه آموخته و اینک تجربه را به کار می‌برد.

سعدی هیچ فرصتی را برای آموزش اخلاق و تربیت جامعه از دست نداده است. حتی سعدی در مداخل خود بجای آنکه به مبالغه و تمجید بی‌اساس بپردازد، سخنش سرشار از پند و اندرز و هشدار است.

سعدی در آثارش در مقام معلمی دلسوز بشریت می‌کوشد هیچ نکته‌ای را برای سعادت آدمی ناگفته نگذارد، در نتیجه همگان می‌توانند قهرمان شعر او باشند. شعر سعدی بذریعین در دلها می‌کارند. در شعر سعدی اراده معطوف به قدرت و بازتابی نوعی اصطکاک یا تاثیرپذیری از قدرت محوریت دارد.

از مجموع این نکات می‌توان به این نتایج رسید که:

۱- سعدی همانند بزرگان دین ژرفترین اندیشه‌های الهی و انسانی را در قالب زیباترین الفاظ به سادگی و به گستردگی و مکرر بیان کرده و با پندهای مصلحانه و گاه واعظانه سعی در تبدیل اخلاقیات دارد و معمولاً پندهایش دستوری نیست.

۲- در قرآن و نهج البلاغه، عرفان با حماسه، عقل با عشق دین با سیاست و فرد با اجتماع گره خورده است و وقتی به آفرینه‌های هنری و فکری سعدی نظر می‌افکنیم باز شاهد وحدت اضدادیم و این نشانگر جاودانگی مضامین آسمانی سعدی است.

زمین به تیغ بلاغت گرفته ای سعدی سپاس دار که جز فیض آسمانی نیست

(مواعظ: ۷۰۹)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

۳- رمز توفیق این شاعر نویسنده و نویسنده ی شاعر آن است که میراث فکری و هنری گذشتگان را به خوبی در دست داشته و چون به مقام تحقیق و شخصیت متعالی رسیده است توانسته آن آثار را در هاضمه ی هنر و اندیشه ی خود هضم و از آن خود کند و از آن اجزاء متضاد و متفاوت، هندسه ی فکر و هنر نوین خویش را بنانهد و به عبارتی شاهکار ابداع نماید. امور خوب را به طور غیر مستقیم برجسته می نماید تا امور بد را نفی کند، گاه راوی اندیشه های دیگران است و حتی گاه خود را آلوده دامن معرفی می کند تا شاید برای ما عبرتی باشد.

۴- ارزش های اخلاقی متغیر است و بیشتر با انتخاب ما شکل می گیرند. این انسان است که ارزش ها را می آفریند. هر بدی می تواند خوب باشد و هر خوبی می تواند بد، این بسته به انتخاب توست ولی می توان آدم ها را بر اساس خطا و صواب در رابطه با محیط، موقعیت و التزام قضاوت کرد.

۵- بین حکمت سعدی و سیاست مدن و تدبیر منزل وی با آنچه امروزه فلسفه ی سیاسی نامیده می شود پیوندی ناگسستنی وجود دارد. و هدف سعدی با توجه به اخلاق الهی، فردی و اجتماعی رفاه و سلامت و نجات انسانی است او در آثارش بیشتر به اخلاق عملی^۱ که سرچشمه آن حکمت یونان است می نگرد و آن همخوانی انسان با محیط است.

^۱ Ethic

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

منابع و مآخذ

*قرآن کریم.

۱. احسانبخش، صادق، ۱۳۶۹، آثار الصادقین، رشت، روابط عمومی ستاد برگزاری نماز جمعه گیلان، چ اول، (۳۰جلد).
۲. اسلامی ندوشن، محمد علی، ۱۳۷۴، «سعدی و رمز و رازش»، فصلنامه هستی، شماره ۲، سال سوم. اصفهانی، راغب، ۱۳۸۷، مفردات، ترجمه حسین خداپرست، زیر نظر عقیقی بخشایشی، قم، نشر نوید اسلام، چ اول.
۳. امید، مسعود، ۱۳۸۱، درآمدی بر فلسفه‌ی اخلاق، تبریز، موسسه‌ی تحقیقات علوم اسلامی - انسانی (دانشگاه تبریز)، چ اول.
۴. بهار، ملک الشعراء، ۱۳۷۰، گزینة ی اشعار بهار، به انتخاب و شرح دکتر حسن احمدی گیوی، تهران، نشر قطره.
۵. پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۶۰، نهج الفصاحه، تهران، انتشارات جاویدان، چ پانزدهم.
۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد، ۱۳۸۸، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه لطیف و سعید راشدی، قم، انتشارات پیام علمدار، چ اول.
۷. جباران، محمدرضا، ۱۳۸۹، درسنامه‌ی علم اخلاق، تهران، مرکز نشر هاجر، چ هفتم، (۲جلد).
۸. حائری یزدی، مهدی، ۱۳۶۱، کاوش‌های عقل عملی، تهران، موسسه مطالعاتی و تحقیقاتی فرهنگی، چ اول.
۹. حسرآنی، حسن بن علی، ۱۳۶۳، تحف العقول عن آل رسول، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه‌ی مدرسین، چ سوم.
۱۰. حرّ عاملی، محمد حسین، ۱۴۱۴ق، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل البیت، چ دوم، (۳۰جلد).
۱۱. حکیمی، محمدرضا، ۱۳۷۱، الحیاه، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، (۲جلد)، ۱۳۸۶، فرهنگنامه‌ی موضوعی قرآن کریم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ چهارم، (۳جلد). خزائلی، محمد، ۱۳۷۹، شرح گلستان، تهران، انتشارات جاویدان، چ دهم.
۱۲. _____، _____، ۱۳۶۳، شرح بوستان، تهران، انتشارات جاویدان، چ پنجم.
۱۳. دستغیب، عبدالعلی، ۱۳۴۵، «سعدی و عالمان دین»، ایران نامه، شماره ۳، سال چهارم.
۱۴. _____، _____، ۱۳۴۵، «سعدی و تصوف»، پیام نوین، دوره هشتم، شماره ۸، (مسلسل ۹۲).
۱۵. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۵۲، امثال و حکم، تهران، انتشارات امیر کبیر، چ سوم، (۴جلد).
۱۶. زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۷۹، حدیث خوش سعدی، تهران، انتشارات سخن، چ اول.
۱۷. شهیدی، سید جعفر، ۱۳۷۴، نهج البلاغه، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چ اول.
۱۸. صدوق، ابوجعفر، ۱۳۶۷، من لا یحضره الفقیه، ترجمه محمد جواد غفاری، تهران، نشر صدوق، چ اول، (۴جلد).
۱۹. طوسی، نصیر الدین، ۱۳۶۹، اخلاق ناصری، به کوشش مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران، خوارزمی، چ چهارم.
۲۰. غزالی طوسی، ابوحامد محمد، ۱۳۶۱، کیمیای سعادت، به کوشش حسین خدیو جم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چ دوم، (۲جلد).
۲۱. _____، _____، ۱۳۶۰، احیاء العلوم، ترجمه مؤید الدین محمد خوارزمی، تهران انتشارات علمی و فرهنگی، چ اول.
۲۲. فرانکنا، ویلیام کی، ۱۳۸۳، فلسفه‌ی اخلاق، ترجمه هادی صادقی، قم، انتشارات طه، چ دوم.
۲۳. فروغی، محمد علی، ۱۳۶۳، کلیات سعدی (گلستان، بوستان، غزلیات، مواعظ و ...)، تهران، انتشارات امیر کبیر، چ چهارم.
۲۴. قرائتی، محسن، ۱۳۸۰، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چ دوم.
۲۵. قربانی، مهدی، ۱۳۸۹، هزار و یک حدیث رضوی، مشهد، انتشارات قاف، چ دوم.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

۲۶. کلینی، ابوجعفر، ۱۳۴۸، کافی، بی جا، دارالکتب الاسلامی، چ دوم.
۲۷. مبشری، اسدالله، ۱۳۷۰، صحیفه سجادیه، تهران، نشر نی، چ اول.
۲۸. متینی، جلال، ۱۳۶۵، «سعدی و عالمان دین»، ایران نامه، شماره ۳، سال چهارم.
۲۹. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ سوم، (۱۱۰ جلد). مسکویه، ابوعلی، ۱۴۱۱، ق، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، قم، انتشارات بیدار، چ سوم.
۳۰. مک اینتایر، السدر، ۱۳۷۹، تاریخچه فلسفه اخلاق، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران، انتشارات حکمت، چ اول.
۳۱. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۸) آزادی معنوی، با ویرایش جدید گفتار معنوی، نشر صدرا، چاپ نوزدهم، ص ۱۰۸.
۳۲. نوری طبرسی، محمد تقی، ۱۴۰۸، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، موسسه آل البيت، چ اول، (۱۸ جلد)
۳۳. ورام، مسعود بن عیسی، بی تا، تنبیه الخواطر، مکتبه الفقیه، قم / ایران.
۳۴. دبیرسیاقی، محمد (۱۳۸۰)، بوستان سعدی، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۳۵. دبیرسیاقی، محمد (۱۳۸۰)، گلستان سعدی، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۳۶. غفوری، محمد (۱۳۶۵)، اندیشه جامع سعدی، حافظ نو، تهران.
۳۷. شکورزاده، ابراهیم، (۱۳۸۹)، مواظ و حکم سعدی در بوستان و گلستان، با ترجمه و معادل فرانسوی.
۳۸. مصفا، مظاهر (۱۳۴۰)، دیوان شیخ اجل سعدی شیرازی، کانون معرفت تهران.
۳۹. یوسفی، غلامحسین (۱۳۶۳)، بوستان سعدی (سعدی نامه)، تهران، خوارزمی، چ ۲.
۴۰. فروغی، محمدعلی (۱۳۱۶). کلیات سعدی، انتشارات هرمس، تهران.
۴۱. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۲۹)، جامع الصغیر، ناشر دارالکفر، بیروت، لبنان
۴۲. شافعی، خسرو، (۱۳۹۱)، صد شاعر، ناشر: کتاب خورشید، تهران